

## جایگاه شادی و نشاط در قرآن و روایات<sup>ک</sup>

هادی زینی ملک آباد<sup>۱</sup>

دکتر نصرت نیلساز<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** شادی، نشاط و تفریح از جمله نیازهای روحی و فطری انسان دانسته شده است که در بسیاری از جنبه‌های حیاتی وی نقش مؤثری ایفا می‌کند. دین اسلام به شادی و نشاط که نیازی فطری و مورد قبول دانشمندان و نیز امامان معصوم(ع) است، نگاه ویژه دارد. این مقاله با هدف تبیین ضرورت و اهمیت شادی و نشاط در زندگی فردی و اجتماعی، به بررسی معنا و مفهوم شادی در قرآن پرداخته، مهم‌ترین مصادیق شادی و نشاط مذموم و ممدوح قرآن و روایات را ارائه کرده است؛ **روش:** کتابخانه‌ای مبتنی بر توصیف و تحلیل؛ **یافته‌ها:** قرآن کریم و روایات، مهم‌ترین معیارهای شادی و نشاط ممدوح را با محوریت توحید، دوری از گناه، احیای ارزشها، شاد کردن دیگران و شادی با معصومین(ع) تبیین کرده و شادمانی برای گناه، افراط در شادی، دروغ شادی آور و شادمانی کاذب را از مصادیق شادی مذموم دانسته و در نهایت، مهم‌ترین عوامل شادی آفرین را با تأکید بر قرآن و روایات در پرهیز از گناه و آزار مؤمن و اجتناب از لهو تبیین برشمرده است. **نتیجه‌گیری:** وجود آیات متعدد در قرآن کریم، سخنان پیامبر(ص) و احادیث و روایات منقول از ائمه معصومین(ع) و به طور کلی متون دینی، حاکی از اهمیت این موضوع در اسلام است. از این رو، نگاه قرآن و روایات اسلامی به نشاط و شادابی، نگاه مثبت است و با تبیین مصادیق مورد قبول، آن را از علائم مؤمنان و اوصاف بهشتیان بر شمرده و مدقت آن نیز به سبب تقارن با موضوعات مذموم و مکروه شریعت است.

**واژگان کلیدی:** شادی و نشاط، قرآن، روایات، شادی ممدوح، شادی مذموم، عوامل شادی آفرین.

کچ دریافت مقاله: ۸۹/۱۱/۰۲ ؛ تصویب نهایی: ۹۰/۰۴/۰۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) ؛ E-mail: zeinikh@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران ؛ E-mail: nilsaz@modares.ac.ir

▪ مقدمه

○ شادی و نشاط؛ ضرورتی فطری

شادی و نشاط یک ضرورت و نیاز است. چه کسی را می‌توان یافت که مدعی باشد نیازمند شادی نیست؟ اساس جهان هستی و پدیده‌های آن به گونه‌ای طراحی شده است که در آدمی شادی ایجاد کند. بهار با طراوت، صبح با لطافت، طبیعت با ظرافت، آبشارهای زیبا، گل‌های رنگارنگ، دیدار دوستان، ازدواج و پیوند دو انسان؛ همه شادی‌آور و سرورانگیز است. از آنجا که شادی، عوارض منفی مانند ناکامی، ناامیدی، ترس و نگرانی را از آدمی دور می‌کند، روان‌شناسان به ایجاد و تثبیت آن در انسان دستور اکید داده‌اند و این نشانگر این حقیقت است که شادی، نیاز اساسی و ضروری آدمی و از خواسته‌های هر انسانی است که خداوند در او به ودیعه گذاشته است. البته زندگی شهری و فشارهای روانی بر انسان امروزی، ضرورت او را به این نیاز فطری دو چندان کرده است.

○ ضرورت و اهمیت شادی و نشاط از نظر دانشمندان

روان‌انسان در مقابل عوامل بیرونی و درونی، واکنشهای مختلفی از قبیل شادی و خوشحالی، خشم، تنفر، ترس و اندوه از خود نشان می‌دهد که به آنها «هیجان» می‌گویند. این هیجانها، بسته به عوامل پدیدآورنده و نیز دیدگاه و اندیشه‌های انسان، گاه مثبت و گاه منفی اند. یکی از این جنبه‌های هیجان، «شادی» است که با واژه‌هایی چون: سرور، نشاط، وجد، سرخوشی، مسرت و خوشحالی هم‌معناست (طریقه‌دار، ۱۳۸۳، ص ۲۲). شادی احساس مثبتی است که زندگی را شیرین می‌کند. شیرین بودن شادی، تجربه‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی مثل ناکامی، ناامیدی و عاطفه منفی را خنثی می‌کند و به ما کمک می‌کند تا سلامت روانی خود را حفظ کنیم. یکی از فواید شادی، آرام‌بخش بودن آن است. شادی اشتیاق ما را به انجام فعالیت‌های اجتماعی و لبخندهای شادی، تعامل اجتماعی را تسهیل می‌کند. بنابراین، یکی دیگر از فواید ابراز شادی، چسب اجتماعی بودن آن است که روابط را به هم می‌چسباند (ریو، ۱۳۸۱، ص ۳۶۴). در پرتو شادی است که انسان می‌تواند خویش را بسازد و قله‌های سلوک را چالاکانه پیماید و در اجتماع، نقش سازنده خود را ایفا کند. اهمیت شادی در درمان بیماری‌های صعب‌العلاج جسمی ثابت شده است. یک جراح معروف طی مقاله‌ای نوشت: «شادی نه تنها جلوی بسیاری از بیماری‌های ناشی از ناملایمات را که در قرن حاضر زیاد است می‌گیرد، بلکه حتی قادر است جلوی رشد و نمای بیماری سرطان را که در کمین است، نیز بگیرد» (طریقه‌دار، ۱۳۸۳، ص ۲۳).

ضرورت شادی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی دولتها نیز خود را نشان می‌دهد. اگر دولتها به بالا بردن سطح شادی در جامعه توجه کنند، در اجرای برنامه‌های خود موفق‌ترند.

غم و شادی انسان فقط مربوط به خودش نیست، بلکه با شاد یا غمگین شدن یک نفر، تمامی جامعه تأثیر می‌پذیرد؛ یعنی غم یا شادی، فردی نیست و در یک جا باقی نمی‌ماند و به همه افراد سرایت می‌کند. روپرت شلدریک<sup>۱</sup> زیست‌شناس مشهور، در کتاب «علم جدید حیات» فلسفه جدیدی را مطرح کرد که ثابت می‌کند نحوه تفکر ما نه تنها بر اوضاع و احوال خود ما، که بر اذهان همه انسانها در سراسر جهان تأثیر می‌گذارد. وی که برای اثبات نظریه‌اش از شواهدی علمی و تجربه‌های بسیاری کمک گرفته، معتقد است: حافظه و شعور انسان تنها در مغزش ذخیره نمی‌شود، بلکه چیزی به نام «شعور جمعی»<sup>۲</sup> نیز وجود دارد که انسانها به وسیله نیروی خاص با هم در ارتباطند (همان، ص ۲۵). بنابر این، به راحتی می‌توان به اهمیت و ضرورت شادی در سلامت فردی و اجتماعی انسانها پی برد.

#### ○ اهمیت و ضرورت شادی و نشاط در قرآن و روایات معصومین (ع)

از آنجا که شادی و نشاط یک ضرورت فطری است، رویکرد دین به شادی و نشاط، جدای از آنچه پیش از این گفته شد، نیست. دین اسلام که به همه شئون حیاتی انسان ژرف نگرسته و متناسب با نیازهای واقعی او و برای تعالی هر چه بیشترش برنامه‌هایی ارائه کرده، شادی و نشاط و عوامل نشاط‌انگیز را که لازمه یک زندگی موفق است، به انسان معرفی و توصیه می‌کند. (دانش، ۱۳۸۴، ص ۴۸)

امام علی (ع) می‌فرماید: «السرور یبسط النفس و یثیر النشاط؛ شادی باعث انبساط روح و ایجاد وجد و نشاط می‌شود. (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۲۰؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۴۳۶)

به طور کلی درباره اهمیت نشاط و سرور و جایگاه آن در تعالیم دینی، همین بس که یکی از فصول کتب روایی به باب «ادخال السرور» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۹۱) اختصاص داده شده و شاد کردن مؤمنان و مسلمانان در برخوردهای روزمره، تحسین شده است؛ از جمله در روایتی از امام باقر (ع) و ایشان از رسول خدا (ص) نقل فرموده‌اند که: «مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ» (همان، ص ۱۸۹) و نیز در روایتی دیگر از امام صادق (ع) آمده است که: «أَيُّمَا مُسْلِمٍ لَقِيَ مُسْلِمًا فَسَرَّهُ سَرَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ» (همان، ص ۱۹۳). چنانچه روایت به صراحت اشاره می‌کند، شاد کردن مؤمنان و مسلمانان، هم‌تراز شاد کردن خداوند قرار گرفته است. علاوه بر آن، این‌گونه روایات، معیاری شامل در اختیارمان قرار می‌دهد که تعاملات ما باید بر محور خوشرویی و آرامش روحی آغاز شود و اغلب، شادی مؤمنان و مسلمانان در تعاملات، زمانی حاصل می‌شود که نیازهای آنها به نحو پسندیده‌ای برآورده شود. شاید از همین روست که در کتاب گرانقدر اصول کافی، پس از «بابُ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»، بابی تحت عنوان «بَابُ قَضَاءِ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ» آمده و نیز

1. Rupert Sheldrake

2. Collective Consciousness

### جایگاه شادی و نشاط در قرآن و روایات ❖ ۵۳

به برخی آثار عظیم آن اشاره شده است. به عنوان مثال، کسی که برادر مؤمنش را شاد و مسرور کند، همان سرور، شب اول قبر، به صورتی خوشبو و زیبا در می‌آید و با مؤمن مأنوس می‌شود و همواره در قبر و در روز حساب، همراه اوست و به او بشارت می‌دهد و او را از ترس و وحشت، رهایی می‌بخشد تا آنکه داخل بهشت شود. (همان، ج ۳، ص ۲۸۹)

آنچه از این احادیث برداشت می‌شود این است که بین شاد کردن مؤمن و پاداش بهشت، رابطه معناداری وجود دارد و خداوند برای کسانی که موجبات فرح و شادی بندگانش را فراهم می‌آورند، امتیاز ویژه‌ای قائل است. در تقسیم‌بندی اوقات و نظم روزانه‌ای که پیشوایان معصوم (ع) توصیه کرده‌اند، مسرت و شادی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چنان که امام رضا (ع) می‌فرماید: «سلوا ربکم العافیة فی الدنیا و الآخرة ... و اجتهدوا أن یکون زمانکم أربع ساعات ساعه منه لمناجاته و ساعه لأمر المعاش و ساعه لمعاشره الإخوان الثقات و الذین یعرفونکم عیوبکم و یخلصون لکم فی الباطن و ساعه تخلون فیها للذاتکم و بهذه الساعه تقدرون علی الثلاث الساعات لا تحدثوا أنفسکم بالفقر و لا بطول العمر فإنه من حدث نفسه بالفقر بخل و من حدثها بطول العمر حرص اجعلوا لأنفسکم حظا من الدنیا یاعطائها ما تشتهی من الحلال» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۱۰-۴۰۹)؛ کوشش کنید اوقات روز شما چهار ساعت باشد: ساعتی برای عبادت و خلوت با خدا، ساعتی برای تأمین معاش، ساعتی برای معاشرت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیبهایتان واقف می‌کنند و در باطن به شما خلوص و صفا دارند و ساعتی را هم به تفریحات و لذایذ خود اختصاص دهید و از مسرت و شادی ساعات تفریح، نیروی انجام وظایف و قتهای دیگر را تأمین کنید. نه خود را به فکر فقر مشغول دارید و نه درازی عمر؛ چون اندیشیدن در مورد فقر، انسان را بخیل می‌کند و اندیشه در مورد درازی عمر بر حرص می‌افزاید. بهره خود در دنیا را در امور حلال قرار دهید.

روایت به صراحت تبیین می‌کند که شادی، لازمه پیشرفت و موفقیت در سایر عرصه‌های زندگی است و به علاوه، حرص مال و جاه دنیا، شادی را از بین برده، چه بسا امراض جسمی و روحی را به دنبال دارد. آری؛ روح آدمی نیز گاهی خسته و بیمار می‌شود و کسالت، بیماری و افسردگی روحی انسان، محتاج به درمان و تقویت است و نیاز به دارو و مرهم شادمانی و نشاط دارد. در این باره حضرت علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَأَتَّبِعُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۱۴۶)؛ این دلها ملول و خسته می‌شود، همان‌گونه که بدنها ملول و خسته می‌شوند؛ برای شادمان کردنشان، سخنان نغز و حکمت آموز بجویید.

در سیره معصومان (ع) عنصر شادی آن‌چنان اهمیت دارد که علاوه بر تأیید آن، به تشویق، زمینه‌سازی و اسباب ایجاد آن نیز توصیه شده‌است. امام صادق (ع) در حدیثی که لشکریان عقل را در برابر لشکریان جهل قرار داده، می‌فرماید: لشکر عقل ۷۵ است و لشکر جهل هم در مقابل ایشان؛ سپس شادی و نشاط، را

لشکر عقل برمی‌شمارند که در پیامبران و جانشینان آنها و مؤمنانی که دلشان را به ایمان آزموده، وجود دارد: «وَالشَّاطُ وَضِدَّةُ الْكَسَلِ وَالْفَرَحُ وَضِدَّةُ الْحَزَنِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴). در این روایت، نشاط و فرح از لشکریان عقل و کسلی و حزن از لشکریان جهل به‌شمار آمده‌اند.

همصدایی و همنوایی فطرت و نیز رویکرد دانشمندان و نیز امام معصوم (ع)، اهمیت و ضرورت انکارناپذیر شادی و نشاط را آشکار می‌کند. از سوی دیگر، در نگاه بدوی به برخی آیات، روایات و نیز برخی دستورات و احکام اسلامی، مثل حرمت ساز و آواز، رقص و پایکوبی و... نیز استفاده می‌شود که اسلام با برخی مصادیق شادی مخالفت کرده است.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که راز مخالفت اسلام با برخی مصادیق شادی در چیست؟

پاسخ روشن بدین سؤال، علاوه بر تبیین نظر اسلام، ملاکها و معیارهایی فرا روی فرد مسلمان قرار می‌دهد تا در پرتو آن در مسیر روشن زندگی شادِ مشروع گام بردارد. در این نوشتار، پس از تبیین معنای لغوی و نیز اصطلاحی شادی و واژگان مشابه آن در قرآن، به ارائه برخی از اصلی‌ترین مصادیق و معیارهای شادی و نشاط در قرآن و روایات پرداخته شده است.

## ▪ شادی و نشاط در قرآن و روایات

### ○ مفهوم شادی در قرآن

مفهوم «شادی» در مجموع حدود ۲۵ بار با الفاظ مختلف در قرآن آمده است؛ با این توضیح که قرآن مجید به فصیح‌ترین زبان نازل شده و در آن، واژه‌ها و چیشها به گونه‌ای به کار رفته که علاوه بر افاده اصل معنی، حالات را نیز بیان می‌کنند. واژه‌های زیادی در زبان عربی در نظر اول، مترادف می‌نمایند؛ در حالی که مترادف نیستند، بلکه برای بیان حالات و کیفیات مختلف بیان شده‌اند. گر چه واژه‌های فرح، مرح، سرور، بطر و نشاط، در زبان فارسی به معنی شادی است، اما استخدام هر کدام از آنها در زبان عربی برای بیان حالت و چگونگی شادمانی است:

**سرور:** به معنی خوشحالی حقیقی؛ (عسکری، ۱۴۱۲، ص ۲۷۷)

**فرح:** به معنی خوشحالی کاذب یا توهم خوشحالی؛ برخی واژه‌شناسان معتقدند «فرح» به سه معنی متفاوت به کار گرفته می‌شود: سرور / شادی، رضا / شادمانی، فرح / افراط در شادی (قیومی، ۱۴۰۵، ص ۴۶۶). از تحقیقی که در واژه «فرح» شده، استفاده می‌شود که این واژه اگر بدون قرینه استعمال شود، به معنی «اشر و بطر» و مذموم است (عسکری، ۱۴۱۲، ص ۱۲۸)؛ یعنی شادمانی‌ای که از حد اعتدال خارج و همراه باطل و ظلم و نیز به قصد ریا و خودنمایی باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۸۸). برخی «فرح» را شادمانی همراه با تکبر و

## جایگاه شادی و نشاط در قرآن و روایات ۵۵

تبختر (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۶۸) و برخی دیگر، «فرح» را مخصوص شادی‌های بدنی زودگذر دانسته اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۹، ص ۶۲۹)

از استعمال فرح در موارد پیش گفته، چنین برمی‌آید که فرح گر چه به معنی شادی است، اما این ویژگی را دارد که چگونگی شادی را نیز بیان می‌کند. بنابر این، «فرح» در قرآن به معنی افراط در شادی، برای لذت‌های بدنی برخاسته از کبر و خودنمایی است؛ اما گاهی به همراه قرینه، به معنی شادمانی واقعی نیز به کار رفته است. در باره تفاوت فرح با سرور گفته‌اند: «الفرق بین السرور والفرح: أن السرور لا يكون إلا بما هو نفع أو لذة على الحقيقة، وقد يكون الفرح بما ليس بنفع ولا لذة؛» فرق بین سرور و فرح در این است که سرور، در شادمانی واقعی به کار می‌رود؛ اما فرح گاهی در شادمانی غیر واقعی [و گاهی در شادمانی واقعی] به کار می‌رود. (عسکری، ۱۴۱۲، ص ۲۷۷)

**مروح:** به معنی افراط در شادی که منجر به حرکت‌های سبک کودکانه در فرد شود؛ درباره فرق مروح با فرح گفته شده است: فرح گاهی بر چیز حق و بر امر واقعی استعمال می‌شود و گاهی برای چیزی غیر واقعی (شادی کاذب) به کار می‌رود؛ اما استعمال مروح همیشه برای شادی باطل بوده است. (همان، ص ۴۹۲)

قرآن کریم، عامل اصلی فرح و مروح را چندین چیز می‌داند؛ از جمله: شرک به خدا، غفلت از خدا و تأثیرگذاری آن در امور و مسائل هستی و ربوبیت و مدیریت وی، گمراهی و ضلالت (غافر، آیه ۷۵-۷۳)<sup>۱</sup> و در نتیجه، هلاکت و نابودی. (قصص، آیه ۵۸)<sup>۲</sup>

**بطر:** به معنی شادی باطل؛ برخی واژه‌شناسان برای تبیین واژه‌هایی که در ظاهر مترادف می‌نمایند، تحقیق کرده و تفاوت آنها را به دست آورده‌اند (عسکری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۲۸). کلمه فرح به معنی «بطر» تفسیر شده، اما «بطر» لازمه فرح و خوشحالی از ثروت دنیاست؛ البته منظور، فرح مفرط و خوشحالی بیش از حد است که آخرت را از یاد می‌برد (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۱۶، ص ۱۱۰)

شادی و نشاط در قرآن و روایات، دارای ضوابط و معیارهای خاصی است که بر اساس آن معیارها، به ممدوح و مذموم تقسیم‌بندی می‌شوند. در آیات قرآن کریم به صورت کلی به شادی پرداخته شده، اما در احادیث به صورت مفصل و جزئی، به شادی و اسباب آن اهتمام خاص نشان داده شده است.

### ○ مهم‌ترین معیارهای شادی و نشاط ممدوح در قرآن و روایات

#### □ الف) شادی و نشاط با محوریت توحید

۱. «ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَنْتُمْ تَشْرِكُونَ» (۷۳) مِنْ ذُنُوبِ اللَّهِ قَالُوا قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا تِلْكَ لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ (۷۴) ذَالِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ» (۷۵)

۲. «وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قُرُونٍ بِطَرَتِ مَعِيشَتَهَا فَلَئِكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ» (۵۸)

خدا محوری از مهم‌ترین معیارهای شادی و نشاط در قرآن و روایات دانسته شده است. از این رو، خداوند در برخی آیات قرآن کریم، مؤمنان را به شادی دعوت فرموده و شادی مؤمنان به فضل و لطف الهی، مددوح قرآن دانسته شده است: «قل بفضل الله و برحمته فبذلك فليفرحوا هو خير مما يجمعون» (یونس، آیه ۵۸)؛ [ای رسول خدا!] به خلق بگو که شما باید منحصرأً به فضل و رحمت خدا شادمان شوید [و به نزول قرآن مسرور باشید] که آن بهتر و مفیدتر از ثروتی است که برای خود اندوخته می‌کنید.

همچنین، زمانی که وعده‌های الهی مبنی بر نصرت و پیروزی در میان اهل کتاب بر مشرکان مجوس محقق می‌شود، می‌فرماید: «... و يومئذ يفرح المؤمنون بنصر الله» (روم، آیه ۵-۴)؛ و در آن روز [که رومیان فاتح شدند] مؤمنان به یاری خداوند شاد می‌شوند. و نیز شادی شهیدان به فضل الهی در آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (آل عمران، آیه ۱۷۰-۱۶۹) نشان‌دهنده اهتمام قرآن نسبت به شادی بر اساس ارزشها و اهداف مقدس است.

در روایات نیز شادی در سایه سار اطاعت پروردگار، مورد اهتمام ویژه قرار گرفته است؛ حضرت علی (ع) می‌فرماید: «سرور المؤمن بطاعه ربّه و حزنه علی ذنبه» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۴۳۷)؛ شادی مؤمن به طاعت پروردگار و حزنش بر گناه و عصیان است.

#### □ (ب) شادی و نشاط در پرتو پرهیز از گناه

از پیامبر اکرم (ص) سؤال شد: بهترین بندگان خدا چه کسانی هستند؟ فرمودند: آنهایی هستند که وقتی نیکی می‌کنند، خوشحال می‌شوند و زمانی که بدی کردند، ناراحت هستند و طلب استغفار می‌کنند. (همان، ج ۲، ص ۴۳۹)

#### □ (ج) احیای ارزشها

امام صادق (ع) می‌فرماید: «شادی به سه خصلت است: وفاداری، رعایت حقوق دیگران و ایستادگی در گرفتاری‌ها و مشکلات» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۲۳۷). احیای حق یا از بین بردن باطل نیز از مواردی است که در روایات به آن تأکید شده است؛ حضرت علی (ع) در نامه‌ای به عبدالله بن عباس می‌فرماید: انسان گاهی به خاطر رسیدن به چیزی مسرور می‌شود که هرگز از دست نمی‌دهد و گاهی برای از دست دادن چیزی محزون می‌شود که هرگز به آن نمی‌رسد. پس باید شادی تو به خاطر احیای حق یا نابودی باطل باشد. (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۷، ص ۴۲۷)

#### □ (د) شاد کردن دیگران

## جایگاه شادی و نشاط در قرآن و روایات ❖ ۵۷

قرآن کریم، شاد کردن دیگران را از حسنات دانسته، افرادی را که برای ناراحت کردن دیگران تلاش می کند، بدترین افراد شمرده است: «کسی که برای نفاق افکنی یا محزون کردن مؤمنان تلاش کند، در حقیقت در جهت اهداف شیطان تلاش می کند و باید از چنین چیزی به خداوند پناه برد» (فلق، آیه ۴). از این رو، اسلام به زدودن اندوه از دل مؤمنان سفارش می کند و به استحکام پیوندها به ویژه صلۀ ارحام اهتمام جدی دارد؛ به طوری که در کتب حدیث، بابی را بدین منظور گشوده اند (باب إدخال السرور علی المؤمنین) که حاکی از اهتمام اسلام به نشاط و شادابی واقعی برای انسان است. امام صادق (ع) در این باره می فرماید: «... تبسم الرجل فی وجه أخیه حسنه، و صرفه القذی عنه حسنه، وما عبد الله بشئ أحب إلى الله من إدخال السرور علی المؤمن»؛ ... تبسم مؤمن به مؤمن و زدودن اندوه از چهره مؤمن، از حسنات است و زدودن گرد و غبار از چهره مؤمنان، از حسنات است و بهترین اطاعت خداوند و محبوب ترین آن نزد خداوند، خوشحال کردن مؤمنان است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۸۸). «صرف القذی» به معنی زدودن گرد و غبار از چشم یا اشک چشم به کار رفته است. بیان مذکور، لطیف ترین تعبیر برای زدودن حزن و اندوه از دل است. در نهج البلاغه نیز نخستین ویژگی مؤمن، گشاده رویی و شاد بودن در برخورد با دیگران ذکر شده است: «المؤمن بشرة فی وجهه و حزنه فی قلبه...» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۹، ص ۲۴۶)

### □ (ه) شادی با ائمه معصومین (ع)

یکی از شادی های پسندیده، شاد بودن در ایام ولادت ائمه معصومین (ع) و برپایی جشن شادی و سرور است؛ حضرت علی (ع) پیرو واقعی خود را کسی معرفی می فرماید که شادی و غمهایش با شادی و غمهای ائمه معصومین (ع) هماهنگ است و در شادی آنها شاد و در اندوه آنها غمگین است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاحْتَارَنَا وَ اخْتَارَنَا شَيْعَةً يَنْصُرُونَنَا وَ يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحَزْنِنَا وَ يَبْدُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَنْفُسَهُمْ فِينَا أَوْلِيَاءَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا». (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۲۳؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹، ص ۶۴۲)

### ○ شادی و نشاط مذموم در قرآن و روایات معصومین (ع)

#### □ الف) شادمانی برای گناه

شادی همراه گناه مورد نهی خداوند است. با تأکید بر معنای لغوی فرح و مرح و نیز عوامل اصلی آن که پیش از این ذکر شد، آیاتی در قرآن وجود دارد که با محوریت ماده «فرح» و «مرح»، شادی هایی را مورد مذمت قرار می دهند که در جهت معصیت خدا هستند. قرآن کریم در داستان قارون که فردی خودخواه و مغرور بود و شادی های مستانه داشت، می فرماید: «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَ آتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ» (قصص، آیه ۷۶).



شادمانی قارون از این جهت مذمت شده است که ناشی از تکبر و قرار گرفتن در مقابل حضرت موسی بوده است. همچنین در آیه ۱۲۰ سوره آل عمران<sup>۱</sup> منافقان از آن جهت مورد نکوهش و شادی آنها مورد مذمت قرار گرفته که از رسیدن رنج و ناراحتی به رسول خدا(ص) و مسلمانان، شادمان و از رسیدن خوبی به رسول خدا(ص) و مسلمانان، محزون می شدند. در آیه ۸۱ سوره توبه<sup>۲</sup> نیز منافقان بدین خاطر مذمت شده اند که از فرمان جهاد، سربلندی و سپس خوشحالی می کردند.

قرآن کریم در بیان عذابهای دوزخیان می فرماید: «ذلکم بما کنتم تفرحون فی الارض بغير الحق و بما کنتم تفرحون» (مؤمنون، آیه ۷۵)؛ این [عذاب] به خاطر آن است که به ناحق در زمین شادی می کردید و از روی غرور و مستی به خوشحالی می پرداختید.

مذمت شادی برای گناه در روایات؛ دو چندان مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا کسی که با گناه شادی می کند، از دو نظر دچار معصیت است؛ یکی اینکه، مرتکب گناه و معصیت است و دیگری اینکه، بر گناه خود شادی می کند و این از خود گناه بدتر است. حضرت علی(ع) می فرماید: «التبجح بالمعاصی اقبح من رکوبها»؛ شادی کردن به گناه، زشت تر از انجام دادن آن است. (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۴۹۳)

### □ (ب) افراط در شادمانی

شادی مثل دیگر لذتها، مطلوب انسان است و همین که یک لحظه تحقق یافت، خواهش نفسانی ادامه آن به صورت فزاینده است؛ به حدی که سبب غفلت و کوتاهی در وظایف فردی و اجتماعی و مانع رسیدن به کمالات انسانی می شود. از سوی دیگر رو آوردن به چنین لذتهایی به گونه ای نیست که فرد به اندازه ای از آن قناعت کند، بلکه بسان اعتیاد به مسکرات و مواد مخدر، رشد فزاینده و غیر قابل کنترل دارد و سبب تعطیلی خرد انسانی و مانع انجام وظایف فردی و اجتماعی و رسیدن انسان به کمالات انسانی می شود. بنابر این، برخی عوامل شادی آفرین در اثر تراحم با مصالح مهم تر، مانع رسیدن انسان به وظایف و تکالیف انسانی می شود؛ لذا در برخی روایات به حکمت مذمت برخی عوامل شادی آفرین اشاره شده است؛ از جمله این روایت که: حسن بن محبوب از حفص بن سالم<sup>۳</sup> روایت کرده که از امام صادق(ع) در باره یکی از اصحاب که فردی کثیر الصلاة است، اما فریفته لهو و غنا شده، پرسیدم. حضرت(ع) فرمودند: آیا لهو و غنا او را از انجام تکالیفی چون نماز و روزه و عیادت مریض و تشییع جنازه باز می دارد؟ گفتم: خیر، این کار او را از هیچ کار خیر باز نمی دارد. فرمودند: این

۱. «إِنْ تَمَسَّكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوْهُمُ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تُضْرَبُوا وَتُنْفَوْنَ لَا تَضْرِبُوا كَيْدَهُمْ فَيَنبِتُوا إِنْ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ».  
 ۲. «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرْفِ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ».

۳. هردو تقه، بلکه از اعیان می باشند.

## جایگاه شادی و نشاط در قرآن و روایات ❖ ۵۹

عمل او از قدمگاههای شیطان بوده و ان شاء الله بخشیده می شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۱۴۲).  
در این روایت، امام (ع) عدم جواز لهو و غنا را به دلیل تراحم آنها با مصالح مهم تر دانسته اند. با وجود اینکه غنا و مشابه آن، از خطوات شیطان شمرده شده - بر فرض که بتواند با سایر روایات که به صورت مطلق از شنیدن غنا و علاقه به «لهو» منع می کند، معارضه کند - باز هم فرض جواز دو قید اساسی دارد:

الف) لهو و علاقه به شهوات از راه حلال باشد؛

ب) مانعی برای رسیدن به وظایف انسانی نشود، که در حقیقت؛ بیان قضیه فرضیه است که شاید وجود خارجی نداشته باشد.

در روایت مذکور، حکمت عدم جواز شادی های زودگذر، فوت مصلحت مهم تر شمرده شده است، اما در کلام دیگری از حضرت امیرالمؤمنین (ع)، حکمت عدم جواز شادی های زودگذر، رفتار و حرکات سبک کودکانه ذکر شده است که با اوصاف مؤمنان سازگاری ندارد.

### □ ج) دروغ شادی آور

چنانچه شادی به قیمت متوسل شدن به دروغ باشد، به شدت در روایات اسلامی از سوی ائمه (ع) مورد حمله قرار گرفته است؛ پیامبر اسلام (ص) در این زمینه به ابوذر می فرماید: «يَا أَبَا ذَرٍّ وَيْلٌ لِّلَّذِي يُحَدِّثُ فَيَكْذِبُ يُضْحِكُ بِهِ الْقَوْمَ وَيْلٌ لَهُ وَيْلٌ لَهُ وَيْلٌ لَهُ»؛ ای اباذرا! وای بر کسی که سخنی دروغ بگوید تا مردم را بخنداند؛ وای بر او، وای بر او، وای بر او. (حرعاملی، ۱۴۱۰، ج ۱۲، ص ۲۵۲)

### □ د) شادمانی کاذب

یک مربی مرشد در صورتی کامل و حقیقی است که تمام ابعاد تربیتی مُتربّی را مورد توجه قرار دهد و گرنه تربیت او ناقص خواهد بود. دستورات تربیتی و اخلاقی قرآن به عنوان یگانه کتاب هدایت، کامل و جامع و همراه رشد است: «انا سمعنا قرآنا عجبا يهدى الى الرشده» (جن، آیه ۲-۱). بنابر این، رو آوردن به برخی شادی های کاذب و زودگذر گر چه در قسمتی از زندگی همراه شادی و خوشگذرانی باشد، اما غفلت از وظایف انسانی، سبب ناراحتی و پریشانی در بخش دیگری از زندگی می شود. لذا بیشتر مشکلات اقتصادی و اجتماعی برخی افراد که گاهی سربار دیگران و جامعه می شوند و نیز برخی نابهنجاری های اجتماعی، ناشی از خوشگذرانی های کاذب است. قرآن می خواهد انسانها در تمام ابعاد زندگی، در دنیا و آخرت، نشاط و شادی واقعی و پایدار داشته باشند، نه اینکه در بخشی از عمر، پیمانۀ شادی را لبریز و در بخشی دیگر، در رنج و محرومیت زندگی کنند. لذا از شادی های کاذب و زودگذر، تعبیر به «لهو» فرموده است.

## ۶۰ ♦ فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۱

معصومین (ع) نیز با تأسی به قرآن، درباره خطرات خوشگذارانی‌های زودگذر بارها هشدار داده‌اند. امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده‌اند: «حلاوه المعصیه یفسدها أليم العقوبه»؛ شیرینی معصیت را پیامدها و ناراحتی‌اش نابود می‌کند. (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۷)

و نیز فرمودند: «الین مسها قاتل سمها فأعرض عما یعجبک فیہ» (نهج البلاغه، خطبه ۶۸)؛ [مظاهر دنیا مثل] نرمی بدن مار، فریبنده، اما زهر آن نیز مثل زهر مار، کشنده است.

نشاط کاذب در ظاهر، نشاط و شادمانی است؛ اما در باطن، غم و اندوه است و چهره قیامتی این نشاط، غبار غم و تاریکی چهره و پریشانی است. در قرآن کریم این نوع نشاط، هم با واژه «فرح» که مقید به «غیر الحق» شده است، می‌آید و هم با «مرح» و عموماً از این پدیده روانی نهی شده است. شاید صریح‌ترین آیه در این مورد، آیه ۷۵ سوره غافر است که می‌فرماید: «ذلکم بما کنتم تفرحون فی الارض بغير الحق و بما کنتم تمرحون».

تنها در این آیه شریفه است که «فرح» و «مرح» در کنار هم ذکر شده‌اند و این، عظمت مسئله را می‌رساند. حاصل آیه مذکور به نقل از علامه طباطبایی این است که کافران به خاطر احیای باطل خود و از بین بردن حق و کوییدن آن، فرح و مرح می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۱۷، ص ۳۵۲). از این رو، عاقبت کار آنان به ضلالت (البته ضلالت کفری) ختم می‌شود. در واقع؛ ضلالتی که خداوند به عنوان عذاب برای آنان مقرر فرموده است، کفر فراموشی و وظیفه آنان از سوی خودشان است و بی‌توجهی به نعمتهای الهی و نه ضلالت تکوینی - العیاذ بالله. در یک نگاه، نشاط کاذب و غیر حقیقی را می‌توان در موارد ذیل به تصویر کشید:

### □ نشاط برای حیات دنیا

در آیات فراوانی، حقیقت دنیا به تصویر کشیده شده است؛ تعبیراتی چون: جیفه، لهو، لعب، حباب، سراب و ...، حکایت از کم‌ارزشی دنیا می‌کند. افزون بر این تعبیرها، آیاتی هست که مستقیماً ناچیز بودن دنیا را بیان می‌فرماید؛ در آیه ۲۶ سوره رعد می‌فرماید: «اللَّهُ یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن یَشَاءُ وَ یَقْدِرُ وَ فَرِحُوا بِالْحَیْوةِ الدُّنْیَا وَ مَا الْحَیْوةُ الدُّنْیَا فِی الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ»؛ خداوند روزی را برای هر که بخواهد گشاده یا تنگ می‌گرداند؛ ولی [آنان] به زندگی دنیا شاد شده‌اند و زندگی دنیا در برابر آخرت، جز بهره‌ای [ناچیز] نیست.

حضرت علی (ع) نیز تعبیری بسیار زیبا از بی‌ارزشی دنیا و شادی برای آن را بیان فرموده‌اند: «ما بالکم تفرحون بالیسر من الدنیا تدرکونه و لایحزنکم الکثیر من الاخره تحرمونه»؛ شما را چه شده است که با به دست آوردن متاعی اندک از دنیا شادمان می‌شوید و از متاع بسیار آخرت که از دست می‌دهید، اندوهگین نمی‌شوید. (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳)

## جایگاه شادی و نشاط در قرآن و روایات ❖ ۶۱

انسانهایی که به مال و حیات دنیا شاد می‌شوند، طبعاً هنگامی که این نعمتها را نداشته باشند، غمگین می‌شوند و این با ویژگی‌های انسان کامل سازگاری ندارد.

### ❑ نشاط برای باورهای نادرست خود

قرآن کریم در چند آیه، ضمن بیان تعبیر «کل حزب بما لَدَيْهِمْ فَرْحُونَ»<sup>۱</sup>، تقطیع و گروه‌گروه شدن و دل خوش داشتن به آنچه در حزب و گروه خودشان است را مذمت فرموده است. این ویژگی مربوط به مشرکان است. در سوره مؤمنون، خداوند متعال خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «در حقیقت؛ این امت شماسست که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم؛ پس از من پروا دارید. آنها کار [دین]شان را میان خود قطعه قطعه کردند و دسته دسته شدند. هر دسته‌ای به آنچه نزدشان بود، دل خوش کردند. پس آنها را در ورطه گمراهی‌شان تا چندی واگذار!» (مؤمنون، آیه ۵۴-۵۲)

### ❑ نشاط برای اعمال خود

بر اساس فرمایش قرآن، برخی افراد از رفتار و اعمال خود شاد و مسرور هستند. البته خطاب قرآن به اهل کتاب است، اما صفات مذکور در آیات، به دیگران هم منطبق می‌شود. در سوره آل عمران، از عهدشکنی اهل کتاب و کتمان کردن حقایق دینی آنها و معامله‌ای که کردند و آنها را به بهایی ناچیز از دست دادند، سخن گفته شده است و سپس خداوند متعال می‌فرماید: «البته گمان مبر کسانی که به آنچه کرده‌اند شادمانی می‌کنند و دوست دارند به آنچه نکرده‌اند مورد ستایش قرار گیرند، قطعاً گمان مبر که برای آنان نجاتی از عذاب است [که] عذابی دردناک خواهند داشت» (آل عمران، آیه ۱۸۸)

بنابراین، در درون این نشاط، عذاب الیم و دردناکی نهفته است که در قیامت گریبانگیر آنان خواهد شد. مؤمنان به آنچه خداوند عطا می‌کند و به اطاعت از او شادمانند و مشرکان و کافران به آنچه خود عمل می‌کنند.

### ❑ نشاط برای علم اندک

گاهی افراد گمان می‌کنند که به مسائل معنوی شادمانند؛ در حالی که در این مورد سخت در اشتباهند. هنگامی که پیامبر (ص) وحی را به مردم ابلاغ فرمود، برخی از آنان که علم بشری داشتند و ارزش وحی را درک نمی‌کردند، خوشحال شده، گمان کردند همان علم خودشان برای آنان کفایت می‌کند و طولی نکشید که غرور و خودپسندی به سراغشان آمد و آنها را در خود فرو برد و به علم ناقص و اندک خود شاد

۱. «فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (آل عمران، آیه ۵۳)؛ «مِنَ الَّذِينَ فَرَّغُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شَيْعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (روم، آیه ۳۲)

شدند: «فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ» (غافر، آیه ۸۳)؛ و چون پیامبرانشان دلایل آشکار برای آنها آوردند، به آن چند [مختصری] از دانش که نزدشان بود خرسند شدند و [سرانجام] آنچه به ریشخند می گرفتند آنان را فرو گرفت.

این افراد وقتی عذاب الهی را دیدند، گفتند که ایمان می آورند؛ اما ایمان آنها دیگر سودی نداشت و این سنت خداست که قابل تغییر و تبدیل نیست. در آیات قرآن به صراحت بیان شده است که: «وَمَا أَوْتِئْتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (غافر، آیه ۸۵)؛ ما از علم، مقدار اندکی را به شما دادیم. ذکر این مسئله شاید برای این است که عالمان، به علم کم خود، مغرور نشوند و خودپسندی و عجب آنها را در بر نگیرند و بدانند که خداوند «علیم» و «خبیر» است و آنها تنها ذره‌ای از این علم را دارند.

البته باید توجه داشت که آنچه گفته شد، منافاتی با شادی حاصل از حل مسائل علمی ندارد؛ چنانچه یکی از شادی‌های ممدوح که در روایات به آن اشاره شده است و تجربه دانشمندان و محیط علمی بدان گواهی می‌دهد، شادی و سرور پس از دانستن و پی بردن به مسائل علمی است که بی‌شک، چنین سروری بیش از هر چیز دیگر، نیازمند علاقه به علم‌اندوزی است. شیخ طوسی از دانشمندان بنام اسلامی، گاهی که برای یافتن پاسخ مسئله‌ای تا صبح روی آن فکر می‌کرد، پس از حل مسئله فریاد برمی‌آورد: کجایند پادشاه و پادشاهزادگان که شب را تا به صبح در عیش و نوش و لذت به سر می‌برند که بیایند و این لذت را درک کنند. (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۳۸)

### ▪ عوامل شادی آفرین در اسلام

اسلام، دین شادی و حلاوت و نشاط‌های پایدار است؛ اما شادی آمیخته با فساد را تجویز نمی‌کند و برای مسلمانان، سبک‌سری و هرزگی و توهین را به بهانه شادی روا نمی‌دارد. خداوند می‌فرماید در رأس همه عوامل شادی و نشاط، ایمان به خدا و تقوای الهی است و در سایه دین است که شادی واقعی به دست می‌آید. یکی از راه‌های ایجاد شادی و نشاط پایدار و معنوی، استفاده از رهنمودهای دین در کم کردن وابستگی‌ها به دنیا و آرزوهای دور و دراز در رسیدن به مظاهر دنیا و به‌طور کلی، زهد و قانع بودن است؛ زیرا هر چه وابستگی انسان به مظاهر دنیا و مال و منال و لذتهای گذرا بیشتر باشد، غم و افسردگی بیشتری را به دنبال خواهد داشت. (دانش، ۱۳۸۴، ص ۵۸)

پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: «الرغبة في الدنيا تكثر الهم والغم والحزن» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۹۱)؛ علاقه شدید به مظاهر دنیا، غم و اندوه را زیاد می‌کند.

### جایگاه شادی و نشاط در قرآن و روایات ❖ ۶۳

لذت و خوشی، همیشه در «انجام دادن» نیست، زمانی هم در «پرهیز کردن» است. انسانی زمانی در زندگی واقعاً شاد است که از گناه پرهیز و حدود الهی را رعایت کند. خداوند می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس، آیه ۶۲)؛ بدانید دوستان خداوند ترس و اندوهی ندارند.

امام علی (ع) در شرح صفات مؤمنان برای همام، می‌فرماید: «مؤمن همیشه بانشاط است و هیچ وقت گرفته و کسل نیست... و علاوه بر آن، نشاط مؤمن زمانی است که بداند در مسیر هدایت است». (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۱۴۹-۱۳۳)

با بررسی نظریات دانشمندان و مطالعه متون معتبر، می‌توان موارد ذیل را در زمره عواملی برشمرد که حالت شادی و نشاط را در انسان پدید می‌آورند: ایمان، رضایت و تحمل، پرهیز از گناه، مبارزه با نگرانی، تبسم و خنده، مزاح و شوخی، بوی خوش، خودآرایی، پوشیدن لباسهای روشن، حضور در مجالس شادی، ورزش، امید به زندگی، کار و تلاش، سیر و سفر، تفریح، تلاوت قرآن، تفکر در آفریده‌های خداوند، صدقه دادن، نگاه کردن به سبزه‌ها و... (حر عاملی، ۱۴۱۰، ج ۵، باب ملائیس؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۹۵)

انسان به استفاده و ارتباط با زیبایی و لذت بردن از آن محتاج است؛ بدون زیبایی، روح در تاریکی و خشونت ماده خسته می‌شود. از این رو، در فرهنگ دینی ما به نظافت و آراسته بودن که عامل فرح‌بخش زندگی است، توصیه شده است.

یکی دیگر از عوامل شادی‌آفرین در زندگی انسان، تفریح و تفریح است. روح انسان به تفریح نیاز دارد؛ به طوری که تفریحات سالم از بهترین شادی‌ها و لذتهای سالم و نشاط‌آور انسان است. انسان با دیدن مناظر زیبای طبیعت، گل‌های رنگارنگ، درختان سبز، آبشارهای زیبا، شکوفه‌های شاداب، کوهها و هزاران منظره زیبای دیگر به وجد می‌آید. خداوند در قرآن کریم به سیاحت و سفر امر فرموده است تا انسان، هم از سرنوشت و سرگذشت گذشتگان آگاهی یابد و عبرت گیرد و هم از زیبایی طبیعت بهره‌برد و شادمان شود. مسافرت و تغییر مکان زندگی و آب و هوا و دیدن مناطق و منظره‌های جدید در نشاط روحی و سلامت جسمانی و تقویت روح و از بین رفتن افسردگی و کسالت روح و درمان بعضی بیماری‌های روحی بسیار مؤثر است. در قرآن کریم و سنت و سیره پیشوایان دینی به این امر توجه شده و مردم به مسافرت و گردش و تفریح تشویق شده‌اند.

ورزش و بازی نیز از جمله عوامل شادی محسوب می‌شود. ورزش از کارهای نشاط‌آوری است که رهبران دینی به آن عنایت داشته و به بعضی از ورزشها به خاطر اینکه در ورزیدگی و فنون رزمی و دفاعی تأثیر دارند، بیشتر توجه شده است؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «حق الولد علی والده ان یعلمه الکتابه و السباحه و الرمايه و ان یرزقه الا طیباً»؛ حق فرزند بر عهده پدرش این است که به او نوشتن و شنا کردن و تیراندازی را آموزش بدهد و جز از راه حلال، روزی او را تأمین نکند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۹۱)

از دیگر عوامل شادی، حضور در مجالس شادی و جشن است. جشن و برپایی مجالس شادی به مناسبت‌های مختلف در اسلام وجود دارد و تأیید شده‌است. حضور در مجالس شادی، مشروط بر اینکه معصیت‌آلود و توأم با فسق و فجور نباشد، از دیدگاه شرع مانعی ندارد.

اسلام همواره مسلمانان را به دوری از غصه و غم و ترشروی و گرفتگی توصیه فرموده است؛ حال آنکه قرنهاي متمادی به استناد برخی از روایات صوفیانه، که نمی‌تواند هیچ ارتباط اصیلی با قرآن کریم و سیره پیشوایان اسلام داشته باشد، تفریح و داشتن نشاط در زندگی و امثال آن را برای مسلمان ارزنده، نقطه ضعف معرفی می‌کردند. (بهشتی، ۱۳۷۹)

### ▪ شرایط و حدود شادی و نشاط در روایات

توجه جامع اسلام به خواسته‌های فطری انسانها، علاوه بر ارائه راهکارهای شادی‌آفرین و عوامل آن؛ مقتضیات و شرایط آن را نیز بیان فرموده است تا شادی و نشاط در بستری سالم انجام شود. لذا آگاهی از شرایط و آیین درست شادی ضرورت دارد.

از آنچه در سایه آموزه‌های قرآن و روایات بیان شد، می‌توان دریافت که بر اساس هدف و فرجام زندگی، شادی و نشاط از دیدگاه اسلام دارای حد و مرز است. محتوا و قالب شادی و نشاط، نباید با روح توحیدی و انسانی اسلام در تضاد باشد؛ زیرا هر پدیده‌ای که انسان را از آرمان و غایت اصلی خویش دور کند، به هیچ وجه مقبول اسلام نخواهد بود. بنابر این، پدیده شادی و عوامل آن، به عنوان یک نیاز اساسی و ضروری تا حدی روا و مجاز است که مانع نیل انسان به هدف اصلی اش نشود.

از آنجا که انسان در انجام هر رفتار ارادی، انگیزه و هدفی را پی می‌گیرد؛ سرور و نشاط به عنوان یک رفتار، از این قاعده مستثنا نیست و هدف و انگیزه‌ای در آن دنبال می‌شود. در این پدیده، اگر انگیزه و هدف، حق و در راستای هدف اصلی زندگی آدمی باشد، مفید و سودمند خواهد بود و اگر انگیزه و هدف باطل در آن نهفته و در برابر هدف اساسی زندگی انسان باشد، باطل و مضر خواهد بود. بنابر این، می‌توان مرز شادی و نشاط را انگیزه و هدف آن دانست.

مزاح و شوخی که یکی از عوامل برجسته شادی است، اگر به سبک‌سری، بی‌شرمی و گستاخی بیامیزد، «هزل» نامیده می‌شود که در اسلام مطرود است و اگر به تحقیر و بدگویی و ناسزا آمیخته شود، آن را «هجو» می‌خوانند و این نیز در اسلام نهی شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۶۳). اگر شوخی از حد خارج شود و به بیهودگی یا زیاده‌روی بینجامد، باز از نظر اسلام، عملی ناپسند خواهد بود؛ امام صادق (ع) می‌فرماید: «زیاد شوخی کردن، آبرو را می‌برد». (همان، ص ۵۶۶)

## جایگاه شادی و نشاط در قرآن و روایات ❖ ۶۵

خنده و تبسم که از دیگر عوامل نشاط و شادی است، باید صادقانه بوده، شخصیت آدمی را لکه‌دار نکند. خنده از نظر اسلام، وقتی مؤثر و مفید است که به شخصیت دیگران لطمه وارد نکند. خنده، با انگیزه آزرده، اهانت و تحقیر دیگری، نکوهیده است.

قابلهای نشاط و شادی و عوامل آن باید در شأن مقام انسان و آرمانهای والای او باشد؛ زیرا گاه محتوایی مفید در قلبی نامناسب، نتیجه‌ای معکوس دارد و به همین دلیل در روایات، قهقهه از شیطان تلقی شده (همان، ص ۴۶۶) و تبسم، بهترین خنده دانسته شده است (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۲۲). زمان و مکان شادی نیز باید با آن متناسب باشد؛ زیرا اگر این تناسب برقرار نباشد، بسیار ناپسند و زشت خواهد بود. مزاح و بذله‌گویی در مراسم سوگواری و مکانهای مقدس، شرعاً و عقلاً و عرفاً ناپسند است.

بر این اساس، برخی از روایات که شادی و عوامل آن را نکوهش کرده‌اند، ناظر به نشاط و عواملی است که از حدود شادی مطلوب از دیدگاه اسلام یا را فراتر نهاده، به افراط و تفریط درغلتیده‌اند؛ و گرنه اسلام، اصل شادی را نه تنها ناپسند نشمرده، بلکه آن را تأیید و توصیه کرده است. با این مقدمه، به برخی از روایاتی که به شرایط شادی و نشاط اشاره دارند، می‌پردازیم.

### ○ پرهیز از گناه

در مجالس شادی باید از گناه و معصیت پرهیز کرد؛ امام صادق (ع) می‌فرماید: «لَا يُبَغَى لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ» (حر عاملی، ۱۴۱۰، ج ۱۱، ص ۴۲۲)؛ سزاوار نیست مؤمن در مجلسی بنشیند که در آن معصیت خدا می‌شود و او نمی‌تواند آن را تغییر دهد.

### ○ پرهیز از آزار مؤمنان

یکی از شرایط شادی و تفریح این است که با اذیت و آزار دیگران همراه نباشد. متأسفانه امروزه بسیاری از شادی‌ها همراه با اذیت و آزار دیگران است؛ مانند بلند کردن صدای موسیقی، انفجارهای تفریحی در شبهای شادی و ... پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «مَنْ آذَى مُؤْمِنًا فَقَدْ آذَانِي» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۷۲)؛ کسی که مؤمنی را آزار دهد، مرا آزار داده است.

هشام بن سالم گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: خداوند می‌فرماید: «لِيَأْذَنَ بِحَرْبٍ مِنِّي مَنْ آذَى عَبْدِي الْمُؤْمِنَ» (حر عاملی، ۱۴۱۰، ج ۱۲، ص ۲۶۴)؛ آن کس که بنده مؤمن مرا بیازارد، با من اعلان جنگ می‌دهد.

### ○ پرهیز از لهو

در آیین اسلام، سرگرمی‌های زیانبار و غفلت‌زا ممنوع است. موسیقی مطرب و غنا، یکی از سرگرمی‌های زیانبار است که آدمی را از توجه به خدا و آخرت باز می‌دارد؛ از این رو، بایسته است که مؤمنان از آن پرهیز کنند. مراجعه به رساله‌ها و فتاوی‌ای مراجع، نمونه‌های زیادی از احکام مربوط به رعایت حریم شادی و



تفریح را در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار می‌دهد.

### ▪ نتیجه‌گیری

در مقابل رویکرد افراطی و مجاز شمردن هر شادی و نشاطی در زندگی انسان و نیز رویکرد تفریطی نسبت به دین مبنی بر مخالفت دین با هر شادی و نشاط که ناشی از عدم شناخت درست آموزه‌های دینی است، رویکردی متعادل، واقع‌گرا و علمی نسبت به دین وجود دارد که شادی و نشاط را با ارائه‌ی بایدها و نبایدها جهت‌دهی کرده است و برای فرد و اجتماع، زندگی همراه با سعادت را به دنبال دارد.

پیام دین به انسانها این است که راه نجات از غم و اندوه، ایمان به خدا و ذکر اوست که به انسان آرامش، شادی و نشاط می‌بخشد. قرآن کریم، شادی و نشاط را که نیاز فطری بشر است، تأیید کرده و جهت می‌دهد و راهنمایی‌های لازم را برای بهره‌گیری از شادی و نشاط ارائه می‌کند.

ضرورت شادی و نشاط در زندگی بشر با کمک متون دینی، تأیید و اثبات شده است؛ زیرا زندگی یکنواخت و فشارهای کاری، خستگی و ملال روحی را به دنبال دارد. لذا به عنوان یک امر ضروری، چگونگی نشاط و عوامل نشاط‌آور، مانند استفاده از لذتها، سخنان نغز و شادی‌آفرین که می‌تواند از این خستگی و ملال بکاهد، در روایات متعدد ذکر شده است. در روایات پیشوایان دینی، نحوه تقسیم اوقات و ساعات شبانه‌روز به بخشهای مختلف که یکی از آن بخشها به نشاط و شادی و لذتهای روان اختصاص دارد، مورد عنایت قرار گرفته که دلیل بر مثبت بودن شادی و نشاط و ضرورت آن برای انسان از دیدگاه پیشوایان دینی است.

در قرآن و روایات اسلامی، به برخی از عوامل نشاط‌آور و شادی‌آفرین مانند سیر و سفر، تفریح و تفریح، ورزش و دیدار دوستان، با دید بسیار مثبت نگریسته شده است. تأکید اهل بیت (ع) و پیشوایان دینی به آموزش بعضی از ورزشها به فرزندان و برشمردن ثمرات و فواید سیر و سفر و تفریح، دلیلی قطعی بر مطلوب بودن آنها در دین است.

با راهنمایی منابع دینی می‌توان شادی و نشاط واقعی را از شادی‌های کاذب و زودگذر بازشناخت و بر دولتمردان جامعه اسلامی واجب است که فضای جامعه را به گونه‌ای طراحی کنند تا امکان پرداختن به شادی و نشاط که از ضروریات زندگی است، فراهم شود.



## منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۳۶۶)؛ غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن ابی الحدید (۱۴۰۴ ق)؛ شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)؛ لسان العرب، بیروت، دار صادر، چ سوم.
- بهشتی، سید محمد (۱۳۷۹)؛ «اسلام دین شادی است نه اندوه» (خطابه منتشر نشده‌ای از شهید بهشتی)، روزنامه همشهری، هشتم تیرماه.
- حسینی استرآبادی، سید شرف‌الدین (۱۴۰۹ ق)؛ تأویل الآیات الظاهره، قم، جامعه مدرسین.
- حرّانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ ق)؛ تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.
- حرّ عاملی، محمد (۱۴۱۰ ق)؛ وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- دانش، شکرالله (۱۳۸۴)؛ شادی و نشاط در متون اسلامی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- راغب اصفهانی (۱۴۲۹ ق)؛ مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، قم، طلیعه نور، چ چهارم.
- ریو، مارشال (۱۳۸۱)؛ انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، ویرایش، چ چهارم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۴)؛ المیزان، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طریقه‌دار، ابوالفضل (۱۳۸۳)؛ شرع و شادی، تهران، حضور، چ دوم.
- عسکری، (ابو هلال) حسن بن عبدالله (۱۴۱۲ ق)؛ فروق اللغویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- قیومی، احمد بن محمد (۱۴۰۵ ق)؛ مصباح المنیر، قم، دار الهجرة.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)؛ اصول کافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)؛ بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا.

- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۲)؛ میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)؛ آشنایی با قرآن، ج ۲، تهران، صدرا.

